

کاربرد هیپنوتیزم در تسکین درد

تألیف: پروفسور ارنست هیلگارد و پروفسور ژوزفین هیلگارد

ترجمه: دکتر رضا جمالیان^(۱)

در شرایط کنونی معتبرترین کتابی که مورد استفاده دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رده‌های پزشکی قرار می‌گیرد، کتاب ماندنی و جالب هیپنوتیزم پزشکی و دندانپزشکی تألیف روانشاد دکتر جان هارتلند است که آخرین چاپ آن با تجدید نظر و اضافات دکتر دیوید واکسمن منتشر گردید.

بر این کتاب دو نفر که به نظر می‌آید برجسته‌ترین دانشمند در زمینه روان پزشکی و روان‌شناسی باشند، مقدمه‌هایی نوشته‌اند، دکتر میلتن هاریکسون روانپزشک و روانکاو و پروفسور ارنست هیلگارد روانشناس تجربی. هیلگارد در مقدمه‌ای که بر چاپ دوم این کتاب نوشته، به این ترتیب از این اثر یاد کرده است:

«... در شرایط کنونی پزشکان هیپنوتیزور در جهان اندکند، تألیف این کتاب تا حدی این امید و نوید را می‌دهد که این خلاء پر شود... ولی این اثر هیچگاه نمی‌تواند نیاز واقعی پزشکان را بر آورد.

در زمینه هیپنوتیزم درمانی هنوز نظریات متفاوتی وجود دارد و این تضادهای گیج‌کننده افراد تازه‌کار را چه در زمینه تئوری و چه در زمینه عملی گیج می‌کند...»

در سال ۱۳۶۵ در زمان سرپرستی سازمان نظام پزشکی جناب آقای دکتر منافی، جلسه‌ای با شرکت رؤسای سه دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران و حدود ۷۰ نفر از اساتید و رؤسای دیارتمانها در سازمان نظام پزشکی تشکیل گردید و اصل پذیرش هیپنوتیزم به عنوان یک مقوله علمی و نیاز به آموزش آن به کادرهای پزشکی مورد تأیید همگان قرار گرفت. پس از آقای دکتر هادی منافی، آقای دکتر مرتضی مهاجر (استاد و رئیس دیارتمان روان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی) که در آن زمان معاونت آموزشی پژوهشی این دانشگاه را نیز به عهده داشت) آگاه‌ترین پزشک حاضر در جلسه در زمینه هیپنوتیزم پزشکی بود و کتاب هیلگارد تحت عنوان هیپنوتیزم در تسکین درد توسط ایشان به جناب آقای دکتر منافی اهداء شد که با عنایت

۱- دکتر رضا جمالیان، متخصص بیماریهای عفونی، (MD, MPH, DTM & H)، عضو انجمن هیپنوتیزم ایران.

تشویق و هدایت ایشان (پس از ترجمه ۲۰ کتاب در زمینه هیپنوتیزم که ۱۸ جلد آنها به قلم اساتید روان‌پزشکی و ۲ جلد آنها نگارش اساتید روانشناسی است) اینک این کتاب آخر هم به جامعه پزشکی تقدیم می‌شود.

در اینجا توجه شما عزیزان را به مقدمه و آشنایی با مؤلفان این اثر که در صفحات آغازین کتاب آمده است جلب می‌نمایم و امید می‌رود در آغاز تابستان ۱۳۷۵ از سوی نشر اول چاپ و منتشر شود.

مقدمه مترجم

بیشتر بیمارانی که به مطب پزشکان و دندانپزشکان و حتی روانپزشکان مراجعه می‌کنند، به علت ابتلا به «درد» است. ما همه هم درد را تجربه کرده‌ایم و هم شاهد رنج و تعب بوده‌ایم که افراد دردمند می‌کشند. بنابراین شناخت درد و ریشه‌یابی آن از اهمیت بسیار برخوردار است. حال شاید خیلی عجیب به نظر آید که بدانیم اگر ما پزشکان را در اتاقی تنها بگذارند و از ما بخواهند تمام اطلاعات خودمان را درباره درد بنویسیم، این مجموعه یک جزوه کوچک هم نمی‌شود! و بسیاری از همکاران معتقدند تعداد صفحات این جزوه از تعداد انگشتان دستها کمتر است!!

راستی با این بضاعت علمی ناچیز در زمینه درد، ما چگونه می‌توانیم به بیماران دردمند کمک کنیم؟ صادقانه بگوییم درباره فیزیولوژی و آسیب‌شناسی درد چه می‌دانیم؟ آیا تنها راه مقابله با تمام دردها چند قلم داروی ضد التهاب، ضد انقباض یا ضد درد و تب است؟ در این خلاء علمی و دانش کاربردی، هیلگاردها پس از ۳۰ سال تحقیق در آزمایشگاه و بالین بیماران به تألیف این کتاب همت گماشتند، و بیهوده نبود که در سال ۱۹۷۶ برنده جایزه آرتور شاپرو شدند و انجمن پژوهش‌های بالینی و آزمایشگاهی هیپنوتیزم در آمریکا این عنوان پرافتخار را به این اثر ماندنی داد:

بهترین کتابی که در زمینه هیپنوتیزم در سالهای گذشته تألیف شده است.

در کتاب فیزیولوژی معاصر با این عبارات از این کتاب یاد شده است: «هیلگاردها کارهای بسیار مهمی را با هیپنوتیزم انجام داده‌اند... مطالعه این کتاب برای خواننده بسیار مفید است... پزشکان، دندانپزشکان و روانشناسان که عمدتاً مخاطب این اثر هستند، از مطالعه آن بسیار فیض می‌برند و آن را فوق‌العاده مفید می‌یابند.»

درد بزرگترین مسئله کشف نشده پزشکی است. در سالهای اخیر کتابهای بسیار مهمی در

این باره در جهان تألیف شده که برخی از آنها به ایران هم رسیده‌اند. بیش از این اثر معتبر کتاب درسی درد اثر پاتریک وال و رونالد ملزاک که در بیشتر از ۱۰۰۰ صفحه در سال ۱۹۹۱ چاپ شده به دستم رسیده بود که در مقایسه با کتاب حاضر، از لحاظ توصیفی خیلی مفصل‌تر ولی از نقطه نظر بالینی و کاربردی بسیار فقیرتر است. در فکر ترجمه کتابی در این زمینه بودم که به طور اتفاقی کتاب حاضر را در کتابخانه شخصی همکار گرامی جناب آقای دکتر هادی منافی سرپرست انجمن هیپنوتیزم ایران دیدم. از مشاهده آن بسیار مسرور و هیجان‌زده شدم. با مطالعه این اثر متوجه شدم چقدر سریع هیپنوتیزم از دنیای ابهامات و خرافات به جهان علم و دانش بیه ویژه حرفه شریف پزشکی-گام نهاده است.

بر روی پوشش کاغذی جلد کتاب (روکش) برخی از اظهار نظرهای بزرگان روانشناسی هم به چشم می‌خورد. برای مثال از قول پروفیسور دونالد مک کینون استاد روانشناسی دانشگاه کالیفرنیا آمده است: «... یک کتاب بسیار برجسته که با نهایت وضوح و در عالی‌ترین سطح علمی تألیف شده است... موضوع درد و کنترل آن همیشه و در همه جا بیشترین اهمیت و ارزش را داشته است... در این اثر نحوه پیدایش درد و چگونگی مهار آن با دقت و وضوح کامل بیان شده است و نقش هیپنوتیزم و تلقین در این بین به خوبی نشان داده شده است... به طور خلاصه این اثر کتاب جامعی است که در حجمی کم تمام اطلاعات نظری و بالینی را در خود گرد آورده است...»

اظهار نظر مجله معتبر نیوانگلاند جورنال که در زمینه طب داخلی منتشر می‌شود، چنین است: «... این زن و شوهر از تمام پژوهشها و تجربیات خویش برای تألیف کتابی جامع، معتبر، یکدست، دقیق و قابل فهم استفاده کرده‌اند... این کتاب در تمام تخصصهای پزشکی می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد و در جهان پزشکی به صورت یک کتاب استنادار دباقی می‌ماند.» در یک مجموعه از کتابهای علمی به این صورت از این اثر یاد شده است:

«... کتابی بسیار دقیق و نسبتاً کم حجم... برای کلیه کسانی که به هیپنوتیزم و مقوله تسکین درد علاقه دارند، یک کتاب درسی هوشبری در اشاره به این اثر می‌نویسد: «هیلاگاردها... پژوهشگران سترگی هستند که پس از تحقیقات بالرش در زمینه هیپنوتیزم، مکانیسم پیدایش درد و کنترل هیپنوتیزمی درد، دست به تألیف یک کتاب علمی و عملی بالرش زده‌اند.» پاتریک وال که در بالا از او به عنوان یکی از مؤلفین کتاب بسیار حجیم «کتاب درسی درد» یاد کردیم، در مورد این کتاب می‌نویسد: «در بین کتابهایی که در زمینه هیپنوتیزم و درد نوشته شده‌اند، هیچکدام به اندازه این کتاب بالرش نیستند... مؤلف در تدوین این اثر کوشش کرده تا از

تمام دستاوردهای علمی و عملی گذشتگان و معاصران بهره گیرند...»

خوشبختانه با ترجمه این کتاب آخرین کمبودهایی که در زمینه استفاده از هیپنوتیزم علمی و کاربردی در رشته‌های مختلف پزشکی وجود داشت برطرف شده و برای احترام از طولانی شدن این مقدمه، توضیحات بیشتر در این خصوص در پایان کتاب به صورت مؤخره آمده است. با توجه به علاقه و حمایت جناب آقای دکتر منافی از هیپنوتیزم علمی پزشکی، اگر این کتاب در جهت زدودن درد از بیماران و دردمندان مورد استفاده قرار بگیرد، صواب آن متعلق به ایشان است، چراکه ترجمه و انتشار کتاب حاضر عمدتاً نتیجه تشویق و حمایت آقای دکتر منافی است. با وجود برخی و کوشش فراوانی که در ترجمه، ویراستاری، حروفچینی، صفحه‌بندی و چاپ این کتاب شده، اگر سهو یا خطایی دیده می‌شود، تمام آن را شخصاً به عهده می‌گیرم.

برای تهیه قسمت‌های مقدمه و مؤخره این کتاب منابعی از سوی همکار دانشمندم آقای دکتر شکرالله‌عبداللّه‌زاده و فرزندم بهنام (فوق لیسانس روان‌شناسی بالینی مقیم پاریس) در اختیارم گذاشته شد که از جانب خوانندگان این اثر از آنها تشکر می‌کنم. از خداوند می‌خواهم نسل دانشمندی را که بار سنگین رسالت هیپنوتیزم «علمی»، «پزشکی» و «کاربردی» را به دوش دارد، آنقدر توان و نیرو بخشد که در انجام آن موفق گردند.

در پایان آرزو می‌کنم که کاربرد هیپنوتیزم پزشکی با رعایت موازین علمی، اخلاقی و شرعی در این سرزمین پرافتخار گسترش پیدا کند و کلیه افرادی که در این زمینه وارد می‌شوند، به اصول و موازین هیپنوتیزم درمانی با ویژگی‌های «پزشکی»، «علمی»، «کاربردی»، «اخلاقی» و «شرعی» آن بیاندیشند و به آنها متعهد بمانند.

آشنایی با هیلگاردها^(۱)

ارنست ر. هیلگارد^(۲) و ژوزفین ر. هیلگارد^(۳) هر دو درجه Ph.D یا دکترای روانشناسی را از دانشگاه معتبر ییل کسب کردند. پروفیسور ارنست هیلگارد در رشته روانشناسی تجربی و پروفیسور ژوزفین هیلگارد در زمینه روانشناسی کودک، خانم دکتر ژوزفین هیلگارد بعداً از دانشگاه استانفورد دکترای پزشکی را اخذ کرد و از دانشگاه‌های شیکاگو و واشینگتن تخصص در روان پزشکی و روان کاوی را نیز گرفت و در زمینه‌های تخصصی پزشکی به تدریس، تحقیق و کارهای بالینی و درمانی پرداخت. این زن و شوهر از سال ۱۹۳۳ تا زمانی که بازنشسته شدند، در

۱ - این مطالب از نوشته‌های پوشش کاغذی (روکش) جلد متن اصلی کتاب ترجمه شده است. (مترجم)

دانشگاه استانفورد به تحقیق و تدریس مشغول بودند، ارنست هیلگارد با عنوان پروفیسور روان شناسی و ژوزفین در زمینه روان پزشکی بالینی.

در سال ۱۹۵۷ و در زمانی که آنان به شهرت و اعتبار علمی رسیده بودند، پژوهش در هیپنوتیزم را شروع کردند. در ابتدا این تحقیقات با کمک مالی مؤسسه فورد آغاز شد و بعد مؤسسه ملی بهداشت [آمریکا] ادامه حمایت مالی از آن را به عهده گرفت. در سالهای اخیر سازمان مبارزه با سرطان [آمریکا] از فعالیتهای آنها در جهت مراقبت درمانی از کودکان سرطانی پشتیبانی می‌کند.

خانم دکتر ژوزفین هیلگارد هم اکنون به عنوان عضو فعال در انجمنهای زیر فعالیت دارد:

* انجمن متخصصان روان پزشکی آمریکا

* انجمن متخصصان روان کاوی آمریکا

* انجمن متخصصان روان شناسی آمریکا

* انجمن پژوهشهای تجربی و بالینی هیپنوتیزم

کتابی که ژوزفین هیلگارد با عنوان شخصیت و هیپنوتیزم تألیف کرده، جایزه علمی بارزش آرتور شاپیرو را تصاحب کرده است. او به عنوان «پزشکی که در راستای گسترش و پیشرفت هیپنوتیزم پزشکی کوششهای فراوانی انجام داده و نظریات بدیعی را عرضه داشته است» جایزه شرلی واشنگ را به دست آورد.

دکتر ارنست هیلگارد به تنهایی یا به اتفاق دیگران کتابهای زیادی تألیف کرده که برخی از آنها عبارتند از: «شرطی کردن و آموزش»، «نظریه‌های فراگیری»، «زمینه روانشناسی»^(۱) و «هیپنوتیزم پذیری».

آشنایی با ارنست هیلگارد

پروفیسور ارنست ر. هیلگارد در سال ۱۹۰۵ در ایالت ایلوی نویز متولد و از دانشگاه این ایالت در رشته مهندسی شیمی فارغ‌التحصیل گردید و در سال ۱۹۳۰ درجه دکتری یا Ph.D خود را در زمینه روان شناسی تجربی از دانشگاه ییل که در آن زمان هم بسیار معتبر بود، اخذ کرد. پایان نامه او در مقطع دکتری شرطی کردن عکس‌العملهای پلک در انسان بود که زیر نظر پروفیسور ریموند دوج آن را به تصویب رسانید. او از سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ به عنوان مدرس در دانشگاه ییل

۱- این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده و به عنوان کتاب درسی مورد استفاده دانشجویان رشته‌های روانشناسی است. (مترجم)

به تدریس مشغول بود تا اینکه در سال ۱۹۳۳ از پروفیسور لوییس م. ترمان دعوتنامه‌ای دریافت کرد که به دانشگاه استانفورد برود. هیلگارد تمام عمر آموزشی خویش را در این دانشگاه به تحقیق و تدریس مشغول بود. او در سال ۱۹۶۹ عنوان استاد ممتاز دانشگاه استانفورد را به دست آورد. در طی این سالها او در دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی و نیز دانشکده روانشناسی خدمت کرد و در سالهای ۱۹۴۲ تا ۱۹۵۰ رئیس دپارتمان فیزیولوژی این دانشگاه بود و در سالهای ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۵ به ریاست دپارتمان فارغ‌التحصیلان نایل گردید.

پیش از جنگ جهانی دوم او بیشتر به پژوهش در «روان‌شناسی آموزش و انگیزه» مشغول بود ولی در طول جنگ بیشتر به تحقیق در روان‌شناسی اجتماعی غیر نظامی پرداخت و در این سالها در نهادی در شهر واشینگتن در این زمینه خدمت کرد. در طول سالهای ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۹ در دپارتمان فیزیولوژی دانشگاه استانفورد، ریاست آزمایشگاه تحقیقات در زمینه هیپنوتیزم را به عهده داشت و در این مدت بیشتر اوقات خود را به تحقیق، تدریس، تألیف مقالات و کتابهای جدید و تجدید نظر در آثار قبلی گذراند. پس از آنکه به افتخار بازنشستگی نایل گردید، بیشتر به زمینه‌های تاریخی روی آورد که یک کتاب تحقیقی او با عنوان فیزیولوژی آمریکایی یادگار این دوران است.

هیلگارد با توجه به اعتبار علمی و شخصیت قوی خود به عضویت و ریاست انجمنهای علمی زیادی نایل آمد که برخی از آنها عبارتند از:

- * ریاست انجمن روان‌شناسی وابسته به آکادمی علوم آمریکا
- * عضو آکادمی علوم آمریکا
- * عضو آکادمی علوم آموزشی
- * عضو آکادمی علوم و هنر
- * عضو آکادمی فلسفه

انجمن روان‌شناسی آمریکا به عنوان قدردانی از او برای یک عمر فعالیت علمی، مدال طلائی را به او اعطا کرد.